

بررسی سازوکار ادراک شهروندان در شهر همدان از فضاهای باز آفرینی شده در محدوده مرکزی شهر همدان

تاریخ دریافت مقاله: ۴۰۰/۰۴/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۴۰۰/۰۶/۰۲

محمد قدیمی (دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران)
بیژن رحمانی* (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

چکیده

پژوهش درخصوص بافت‌های تاریخی در مرکز شهرها در دو دهه اخیر به صورت چشم‌گیری از نظر مدیران شهری و متخصصان افزایش پیدا کرده است. این روند، موجب شده است که رویکردهای نوینی در برنامه‌ریزی و توسعه این مناطق ارزشمند شهری ارائه که یکی از برجسته‌ترین آن‌ها رویکرد بازآفرینی است. مرور این پژوهش‌های عملی و نظری نشان می‌دهد در فرایند بازآفرینی محدوده‌های تاریخی و فرسوده شهرها غالب آنان صرفاً به جنبه‌های عینی و کالبدی بدون توجه به ذهنیت شهروندان که برگرفته از هویت و فرهنگ آنان است توجه داشته‌اند. بر همین مبنای پژوهش حاضر با هدف دستیابی به چگونگی درک شهروندان از فضاهای بازآفرینی شده تحت مفهومی به نام بازآفرینی ذهنی شکل گرفته است. در همین راستا، پس از تبیین مدل مفهومی پژوهش برپایه مرور ادبیات موضوع، پرسشنامه‌ای ساختار یافته طراحی و در بین شهروندان همدانی برای استخراج ذهنیت آنان از فضاهای بازآفرینی شده میدان مرکزی شهر همدان توزیع شد. سپس، داده‌ها با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری و در نرم‌افزار Smartpls مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل یافته‌ها نشان داد که دو عامل کالبد و اجتماع در سازوکاری طولی موجب بحرانی‌ترین اثرگذاری در ذهن شهروندان در راستای شکل‌گیری ذهنیت آنان از فضاهای بازآفرینی شده میدان مرکزی شهر همدان شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: بازآفرینی ذهنی، کالبد، اجتماع، ادراک، همدان.

مقدمه

بازآفرینی شهری تجدید حیات شهری، نوسازی شهری و رنسانس شهری نیز نامیده می‌شود، که در زمینه سیاست‌های عمومی، این نام‌ها اشاره به مسائلی از قبیل رکود اقتصادی، انحطاط زیست محیطی، بی‌توجهی به جوامع، رشد بیکاری و برخی از مشکلات اجتماعی دارد که برآمده از مسائل شهری هستند. (Marriam-Webster online, ۲۰۱۴).

این رویکرد مفهوم جامعی است که به معنای بهبود وضعیت نواحی محروم در جنبه‌های اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. معاصر سازی توجه و تأکید خاص بر مقیاس محلی، تنوع فرهنگی و کنش متقابل میان انسان و مکان زندگی او دارد. (پور احمد، ۱۳۸۶: ۱۶).
با وجود برخی مطالعات در زمینه متون نظری در مقیاس شهری هنوز مطالعه عمیق و جامعی بر روی مفهوم بازآفرینی ذهنی صورت نگرفته است. شایان توجه است پایه تئوریک رویکرد بازآفرینی در فرآیند جهانی در حال تحول است بازآفرینی شهری گامی فراتر از مقاصد، آرزوها و دستاوردهای نوسازی شهری، توسعه شهری و باززنده‌سازی شهری است؛ فراتر از نوسازی شهری که کوچ از آن به عنوان فرایند تغییرات کالبدی بنیادین نام می‌برد.

بازآفرینی شهری وضعیتی از مدیریت و برنامه‌ریزی محدوده‌های شهری موجود است، نه برنامه‌ریزی و توسعه شهری جدید، (couch, fraser, percy ۲۰۰۳)، رابرتز در کتاب خود با عنوان "بازآفرینی شهری" ارائه داده است اشاره نمود: "بازآفرینی شهری فرآیندی است که به خلق فضاهای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی (کالبدی، فعالیتی) منجر می‌گردد. بازآفرینی شهری عبارت است از دیدگاهی جامع و یکپارچه و مجموعه اقداماتی که به حل مسائل شهری بیانجامد به طوریکه منجر به بهبود دائمی در حس همکاری، درک هنری و فرهنگی و همبستگی اجتماعی شود و به کاهش جرم و در نهایت پایداری بیشتر کمک کند (McCarthy, 2006).

از طرفی، یکی از معضلاتی که در نتیجه توسعه بدون در نظر گرفتن تأثیر آن بر ذهن همه‌ی ذی‌مدخلان ایجاد می‌شود عدم رغبت به مشارکت توسط آنان و در نتیجه نا تمام ماندن و ناقص بودن توسعه در وجوه مختلف آن خواهد بود. با دانستن این نکته که مکان‌های هدف بازآفرینی در نهایت فضایی برای فعالیت و رشد ساکنان آن‌ها خواهد بود و البته با نظر داشتن بازآفرینی به عنوان رویکردی از توسعه که جنبه‌های اقتصادی اجتماعی کالبدی و زیست محیطی را در برمیگیرد باید عنوان کرد توجه صرف به وجه کالبدی بازآفرینی نمیتواند در نهایت اهداف غایی آن را عملی سازد. از این رو مشارکت شهروندان و شناخت دیدگاه آنان نسبت به اقدامات صورت گرفته و برنامه‌ریزی شده در پروژه‌های باز آفرینی نه تنها میتواند نگاه صحیح‌تری درباره‌ی سیاست‌ها و راهبردهای این پروژه‌ها ارائه دهد بلکه منجر به شناخت و بکارگیری ظرفیت

بوجود آمده در نتیجه مشارکت همه ذی مدخلان در روند اجرایی و مطالعاتی پروژه‌هایی از این دست خواهد بود.

اهداف تحقیق

هدف اصلی پژوهش پیش رو، ارائه چهارچوب نظری دقیق از این رویکرد و تعریف شاخص‌هایی برای ارزیابی میزان انطباق عینیت و ذهنیت و ارائه مدلی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، زیست محیطی در سطح منطقه مرکزی شهر همدان به منزله مورد مطالعاتی است.

سؤالات و فرضیه‌های پژوهش

با توجه به ماهیت و همچنین اهداف تحقیق حاضر، سؤالات تحقیق به صورت زیر بیان می‌شود:

- تا چه حد عینیت موجود بازآفرینی مرکز اصلی شهر همدان با ذهنیت شهروندان انطباق دارد؟

- درک ذهنی از پروژه‌های بازآفرینی طی چه فرایند و مکانیسمی صورت می‌پذیرد؟

فرضیه‌های تحقیق نیز مبتنی بر موارد زیر می‌باشد:

- به نظر می‌رسد اختلاف معناداری بین عینت موجود در پروژه بازآفرینی مرکز شهر همدان با ذهنیت شهروندان وجود دارد.

- ذهنیت افراد نسبت به پروژه‌های اجرا شده بازآفرینی، به طور معناداری تحت تأثیر وضعیت اجتماعی و کالبدی موجود در آن می‌باشد.

روش شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، بنابر ماهیت موضوع، از دو روش توصیفی و تحلیلی به صورت توأمان استفاده شده است. در بخش دیدگاه‌های نظری و مروری بر مطالعات پیشین، روش توصیفی به کار گرفته شده است. در این روش ابتدا منابع و مآخذ مکتوب از قبیل نشریات و مجلات معتبر داخلی و خارجی جستجو و انتخاب شدند. سپس با استفاده از تکنیک فیش برداری محتویات مورد نظر از منابع مذکور استخراج و پس از تکمیل فیش‌های مسلسل، و مشورت با متخصصان و اساتید راهنما و مشاور، ساختار محتوایی بخش‌های تنوری و تجربی تدوین خواهد گردید.

برای رسیدن به این مهم، ابتدا مدل مفهومی بازآفرینی ذهنی با استفاده از مرور ادبیات موضوع استخراج خواهد شد و در مرحله بعد مدل مورد نظر در میدان مرکزی شهر همدان و با استفاده از نظرات شهروندان همدانی مورد راست آزمایی قرار خواهد گرفت.

ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق

گذری بر مفهوم بازآفرینی شهری

بازآفرینی شهری تجدید حیات شهری، نوسازی شهری و رنسانس شهری نیز نامیده می‌شود، که در زمینه سیاست‌های عمومی، این نام‌ها اشاره به مسائلی از قبیل رکود اقتصادی، انحطاط زیست محیطی، بی توجهی به جوامع، رشد بیکاری و برخیز مشکلات اجتماعی دارد که برآمده از مسائل شهری هستند (Marriam-Webster online, 2014).

این رویکرد مفهوم جامعی است که به معنای بهبود وضعیت نواحی محروم در جنبه‌های اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. معاصر سازی توجه و تأکید خاص بر مقیاس محلی، تنوع فرهنگی و کنش متقابل میان انسان و مکان زندگی او دارد. (حاجی پور، ۱۶: ۱۳۸۹).

کچ و فریسر، معنی بازآفرینی در علوم زیستی را با مفهوم بازآفرینی شهری مورد قیاس قرار داده و بازآفرینی را، مفهوم بازگرداندن و جایگزینی سیستم در ارتباط با کیفیت زیست محیطی و عملکردهای اجتماعی می‌داند (Lang, 2005, Couch and Fraser, 2003, 2). در انگلستان بازآفرینی شهری را این گونه تعریف می‌کند "فرایندی جامع از تغییر و تأثیر بر فروپاشی‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در مناطق شهری است در زمانی که به مرحله‌ای رسیده که نیروهای بازار به تنهایی کفایت نمی‌کنند" (Lang, 2005).

بازآفرینی شهری سیاستی است که در بافت موجود شهری به کار گرفته می‌شود و سعی در رشد مجدد فعالیت اقتصادی، که زمانی از بین رفته بودند، دارد (Fraser, 2003, Lang, 2005). در تعریف مذکور توجه به رشد و توسعه اقتصادی و فعال نمودن پتانسیل‌های اقتصادی بافت مورد تأکید واقع شده است.

رابرتز، فعالیت‌های بازآفرینی شهری را نیز در پنج دسته شامل، استراتژی‌های محله محور، توسعه اقتصادی، آموزش و پرورش، ارتقاء کالبدی و فعالیت‌های زیست محیطی تقسیم می‌کند (Roberts, 2000, 20).

بازآفرینی شهری نوعی رویکرد مداخله‌ای است که با نگاه به گذشته و بدون پاک کردن هویت‌های تاریخی دوره‌های مختلف به خلق هویتی جدید و متناسب با شرایط زندگی عصر حاضر می‌اندیشد (حاجی پور، ۱۳۸۶، ۱۸). در دو تعریف فوق از این اصطلاح، واژه بازآفرینی که معادل معاصر سازی نیز عنوان شده است، تأکید بر بروز رسانی و متناسب کردن شرایط برای

زندگی امروزی و در عین حال حفظ هویت و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی است. در واقع این تعریف، بازآفرینی و را حل مسائل و مشکلات بافت‌های کهن شهری از طریق دمیدن روح زمان در آن‌ها می‌داند. از دیگر جنبه‌های حائز اهمیت در تعاریف بازآفرینی شهری، عمومی بودن آن است. به طوری که در تعریفی از این واژه، کاهش تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی و بهبود شرایط اقتصادی منطقه هدف و ادغام مجدد آن در اقتصاد شهری (McGregor and McConnachie, 1995).

اصطلاح "بازآفرینی شهری" پس از جنگ جهانی دوم در اروپا و بریتانیا عمدتاً به دلیل کاهش صنایع پس از جنگ تکامل یافته و از آن زمان، سیاست‌های دولت بر بازآفرینی شهری در جهت رسیدن به جامعه‌ای بهتر متمرکز بوده است. (McDonald, Malys, & Malienė, 2009) در طول ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، خرید و آزادسازی زمین رویکرد غالب بوده است، با این فرض که فقر می‌تواند ساخته شود و اینکه تغییر فیزیکی محیط ساخته شده منجر به منفعت اجتماعی و اقتصادی می‌شود. شهرهای لیورپول و منچستر در این دوره زمانی شروع به توسعه کردند (McDonald, Malys, & Malienė, 2009). پس از آن، از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواخر دهه ۱۹۷۰، رفاه عمومی ارتقا یافت. شکل (۱) سیر تکامل سیاست‌های بازآفرینی را نشان می‌دهد.



شکل (۱) سیر تکامل سیاست‌های بازآفرینی مأخذ: (Colantino, 2011)

در انگلستان، دولت بازآفرینی را مجموعه‌ای از فعالیت‌ها که منجر به معکوس کردن جریان افول اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در محدوده‌هایی که بازار بدون حمایت دولت توانایی این مسائل را ندارد، تعریف کرده است (CLG, 2009). بازآفرینی شهری محصول تعامل میان

این فرایندها و همچنین پاسخی به فرصت‌ها و چالش‌هایی است که بواسطه انحطاط شهری شکل گرفته است.

دهه ۱۹۹۰، انگاره بازآفرینی هدایت شونده با فرهنگ (یا فرهنگ-مبنا) و استفاده از (سرمايه‌های فرهنگی) خود را به عنوان گزینه‌ای موفق در عرصه (مرمت و حفاظت شهری) مطرح ساخت. آنچه می‌تواند موجب منافع دوجانبه اجتماعی و اقتصادی شود به کاربستن ایده بازآفرینی فرهنگ مبنا و انجام مداخلات مبتنی بر محله است (Evans, Tallon, 2005: 265, 967). در مطالعه‌ای ابعاد و عوامل اثرگذار بر بازآفرینی شهری را تبیین کرده است که به طور مختصر در جدول (۱) آورده شده است.

جدول (۱) ابعاد بازآفرینی شهری

بعد	مفهوم
اقتصادی	اشتغال زایی، درآمد، مشاغل، مهارت‌ها، فرصت‌های شغلی،
اجتماعی-فرهنگی	ارتقاء کیفیت زندگی، بهداشت، آموزش، جرائم، مسکن، کیفیت خدمات عمومی
کالبدی-محیطی	زیرساخت‌ها، محیطی طبیعی و ساخته شده، حمل‌ونقل و ارتباطات
حکمرانی	محلی سازی تصمیم‌گیری، مشارکت اجتماع محلی، درگیر کردن تمامی دخیلان، شیوه رهبری و مدیریت

مأخذ: (Tallon, 2013)

دیدگاه‌های متمرکز درباره تأثیر شرایط محیطی بر انسان و اجتماعات انسانی:

در روانشناسی محیطی رفتار انسان تحت تأثیر عواملی چون عوامل فیزیکی محیط، داده‌های نمادین، داده‌های طراحی و روح محیط قرار دارد. به طور متقابل انسان نیز با رفتار خود که ناشی از جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و شخصیتی است بر محیط تأثیر می‌گذارد و آن را در جهت ارضای نیازهای فیزیولوژیک و اجتماعی خود دگرگون کرده فضا را سازماندهی می‌کند. یونگ در مورد سیستم‌های مردم به همان اندازه که محصول محیط اجتماعی هستند، ساخته محیط فیزیکی نیز به رفتاری معتقد است به‌شمار می‌روند (مرتضوی، ۱۳۸۰).

انسان با توجه به نیازها، ارزش‌ها و هدف‌های خود محیط را دگرگون می‌کند و به طور متقابل تحت تأثیر محیط دگرگون شده قرار می‌گیرد به ویژه تکنولوژی پیشرفته موجب می‌شود تأثیر انسان بر محیط شدت و سرعت یابد (مرتضوی، ۱۳۸۰).

دگرگونی سریع محیط یکی از ویژگی‌های بنیادی زمان ماست. هر روز شهرها و محله‌ها و بناهای جدید "قرارگاه‌های فیزیکی" ساخته می‌شوند. این‌گونه برخی الگوهای رفتاری نقش‌های اجتماعی نوین را بر ساکنان خود تحمیل می‌کنند یا برخی الگوها و معیارهای رفتاری را تقویت و برخی دیگر را تضعیف می‌کنند و به‌طور خلاصه جهت و ابعاد جدیدی به رفتار ساکنان خود می‌بخشند (مرتضوی، ۱۳۸۰).

نظریه کنش متقابل بر نقش تجربی ادراک تأکید دارد و رابطه‌ای پویا بین فرد و محیط را مبنای تحلیل قرار می‌دهد. در این نظریه، ادراک کنشی متقابل به حساب آمده است که در آن محیط، مشاهده‌گر و ادراک وابستگی متقابل دارند. اطلاعاتی که از محیط فیزیکی کسب می‌شود خواص نمادین و معنا بخش دارد، ویژگی‌هایی دارد که واکنش‌های ذهنی ایجاد می‌کند، و پیام‌هایی دارد که نیازهایی را برمی‌انگیزد. برطبق مطالعات کنش متقابل، مردم ادراکات خود را هم به شکل تجربی و هم به شکل ساختاری توصیف می‌کنند. طراحان بیش از افراد دیگر به ویژگی‌های ساختاری محیط فکر می‌کنند. نقش مهم نظریه کنش متقابل در نظریه طراحی محیط تشخیص این است که مردم به چه چیزهایی اهمیت می‌دهند و چه چیزهایی بیشترین تأثیر را بر آن‌ها می‌گذارد. به‌نظر می‌رسد توانایی ادراک برخی از قابلیت‌های محیط، فطری یا حاصل بلوغ روانشناختی مردم است. بقیه قابلیت‌ها از طریق تجربه یا از طریق توجه، آموخته می‌شود. اصولاً مردم به چیزهایی که می‌شناسند و انگیزه تشخیص آن را دارند توجه می‌کنند. اولریخ نیسر (۱۹۷۷) معتقد است که ساختارهای شناختی مؤثر در ادراک محیط قابل پیش‌بینی هستند. "مردم تنها چیزهایی که می‌توانند پیدا کنند ادراک می‌کنند. فرایند تغییر رفتار با طرحواره‌هایی که بعضی فطری و بعضی آموخته شده هستند، هدایت می‌شود (لنگ ۱۳۸۱-۱۰۷).

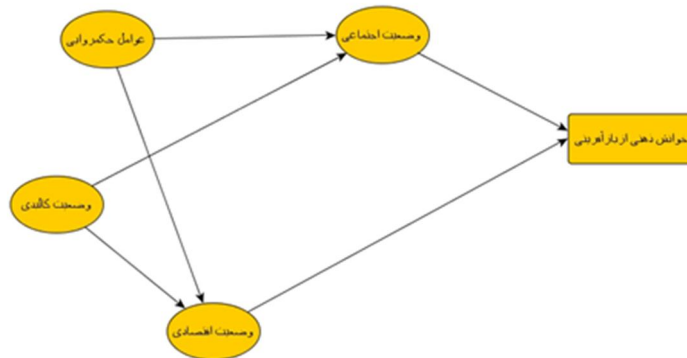
در جمع‌بندی کلی می‌توان بیان کرد که "ادراک محیطی" فرآیندی است که از طریق آن انسان داده‌های لازم را بر اساس نیازش از محیط پیرامون خود بر می‌گزیند (مطلبی، ۱۳۸۰) لذا ادراک فرآیندی هدفمند است و به فرهنگ، نگرش و ارزش حاکم بر تفکر ادراک کننده بستگی دارد. از این رو فرآیند ادراک همواره با "شناخت" انسان از محیط همراه است. در حقیقت "ادراک محیطی" از تعامل "ادراک حسی" و "شناخت" که در ذهن انسان تجربه شده‌اند حادث می‌شوند (مطلبی، ۱۳۸۰). ما در ذهن اطلاعات را بررسی کرده، آنها را شناسایی می‌کنیم سپس طبق ویژگی‌های هر یک، آنها را دسته‌بندی و در بخش مربوط به آن در مغز ذخیره نموده و یا طبقه ای جدید برای آن در نظر می‌گیریم. از این‌پس، هرگاه مجدداً به این اطلاعات نیاز داشته باشیم به طبقه مربوطه مراجعه خواهیم نمود (پاکزاد، ۱۳۹۱). ادراک کننده خود جزئی از محیط مورد مشاهده محسوب می‌شود و با رفتار خود و «محیط» در ادراک حرکت در فضا، نقش مؤثر

در تعریف حدود و دیگر ویژگی‌های آن می‌یابد. به بیان دیگر، رفتار و اهداف مشاهده گر نقش اساسی در تعریف حدود محیط و فضاها دارد (مرتضوی، ۱۳۸۰). فرآیند ادراک و شناخت، هم در مرحله جمع‌آوری اطلاعات و هم تعبیر و تفسیر آن‌ها که به شناخت می‌انجامد، تحت تأثیر عوامل روانشناختی فردی (نیازها، انگیزه‌ها و تجارب پیشین، و...) قرار می‌گیرد، که خود از شرایط محیطی تأثیر پذیرفته‌اند.

تبیین چهارچوب نظری و مدل مفهومی تحقیق

با توجه به هدف و ماهیت این تحقیق و همچنین بررسی مطالعات صورت گرفته در ادبیات تحقیق، در این قسمت دو مطلب اساسی تبیین خواهد شد. ابتدا شاخص‌ها و عواملی که پس از بازآفرینی یک فضای شهری با توجه به رسالت آن انتظار می‌رود تا در آن فضا شکل بگیرد به عنوان چارچوب اثرگذاری بازآفرینی شهری تبیین خواهد شد تا از این ره بتوان به‌وسیله آن‌ها نمونه مورد مطالعه را با توجه به ذهنیت افراد مورد سنجش قرار داد. سپس مدل مفهومی ادراک بازآفرینی شهری با در نظر گرفتن نظریات ادراکی و محیطی تبیین خواهد شد.

با توجه به بررسی اندیشه و مطالعات صاحب‌نظران، مشخص شد که بسیاری از آن‌ها چهار عامل اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، کالبدی-محیطی و حکمروایی را به عنوان ابعاد اصلی شکل دهنده بازآفرینی پروژه‌های شهری معرفی کرده‌اند. با توجه به مرور ادبیات بازآفرینی شهری و همچنین با در نظر گرفتن نظریات ادراک محیطی، شکل (۲) به عنوان مدل مفهومی پژوهش، ارائه می‌شود.



شکل (۲) مدل مفهومی ادراک پروژه بازآفرینی توسط شهروندان مأخذ: نگارندگان

با توجه به این امر که در هر یک از عوامل موجود در مدل مد نظر می‌باشد، می‌توان این عوامل را در روش مدل‌سازی معادلات ساختاری به عنوان متغیرهایی پنهان در نظر گرفت که

توسط متغیرهای آشکار و یا گویه‌ها سنجیده می‌شوند. با توجه به مرور ادبیات تحقیق، گویه‌های اقتصادی شامل اشتغال زایی، درآمد، مشاغل، مهارت‌ها و فرصت‌های شغلی می‌شوند. برای گویه‌های اجتماعی-فرهنگی می‌توان عوامل ارتقاء کیفیت زندگی، بهداشت، آموزش، جرائم، مسکن، کیفیت خدمات عمومی را پیشنهاد داد. زیرساخت‌ها، محیطی طبیعی و ساخته شده، حمل‌ونقل و ارتباطات برای عامل کالبدی تبیین خواهند شد. همچنین، گویه‌های محلی سازی تصمیم‌گیری، مشارکت اجتماع محلی، درگیر کردن تمامی دخیلان، شیوه رهبری و مدیریت را نیز برای عامل حکمروایی می‌توان پیشنهاد داد.

جامعه آماری این تحقیق کلیه ساکنان شهر همدان که براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ برابر با ۵۵۴۴۰۶ نفر است. برای تخمین حجم نمونه از فرمول "تعیین حجم نمونه کوکران" که در آن توزیع p یعنی نسبت یک صفت در جامعه شکل نرمال (یا تقریباً نرمال) دارد و به جای شاخص انحراف استاندارد جامعه واریانس نسبتی از جامعه که دارای ویژگی مورد نظر باشد، یعنی مقدار pq قرار می‌گیرد، استفاده شده است. (هومن، ۱۳۹۳، ۱۹۰) با توجه به عدم اطلاعات در مورد ویژگی‌های موجود در گروه نمونه درصد بیشینه یعنی مقادیر ۰/۵ برای بود و نبود ویژگی و صفت مورد اندازه‌گیری لحاظ شده است. همچنین برای خطای اندازه‌گیری مقدار ۰/۰۵ (خطای حدی) انتخاب شده و براساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران تعداد ۳۸۴ نفر برای مطالعه برآورد گردید.

فرمول تعیین حجم نمونه :

$$p=0.5 \quad q=0.5 \quad d=0.05 \quad t=1.96 \quad N=554406$$

$$\frac{Nt^2pq}{Nd^2 + t^2pq} = \frac{343977 \times (1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{343977 \times (0.05)^2 + (1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5} = 384$$

در تحقیق حاضر برای انتخاب گروه نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. بدین ترتیب که ابتدا شهر همدان به ۴ منطقه طبقه بندی گردیده و سپس برای انتخاب نمونه آماری از هریک از نواحی اقدام شده است.

برای جمع‌آوری اطلاعات از نمونه آماری و به منظور آزمون فرضیه‌های تنظیم‌شده تحقیق حاضر از پرسشنامه‌ایی که با توجه به متغیرهای تحقیق و عملیاتی نمودن آنها تنظیم‌شده، استفاده گردیده است. پرسشنامه تحقیق متشکل از دو دسته سؤال است. دسته اول، که با حروف الفبا کدگذاری شده است به منظور تعیین و مشخص شدن مشخصات نمونه آماری از لحاظ جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات و سن و دسته دوم به منظور بررسی و تجزیه تحلیل داده‌های

پژوهش در راستای اهداف کلی آن و زمینه سازی برای آزمون فرضیه‌های تحقیق حاضر در دو بخش تنظیم گردیده است. بخش اول به سنجش بازآفرینی رهنی شهروندان در نمونه مورد مطالعه می‌پردازد و در بخش دوم بررسی مدل مفهومی بازآفرینی ذهنی مد نظر قرار گرفته شده است.

برای تجزیه و تحلیل نتایج تحقیق از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده می‌گردد. در آمار توصیفی که معمولاً به توصیف داده‌ها می‌پردازد از شاخص‌های تمایل مرکزی و شاخص‌های پراکندگی برای بیان داده‌های جمع‌آوری شده استفاده می‌شود. برای نمایش و نشان دادن نتایج کار معمولاً از جداول توزیع فراوانی - بر اساس تعداد موارد مطلق و نسبی، درصد ستونی استفاده می‌شود. در آمار استنباطی برای آزمون فرضیه‌های مورد بررسی در تحقیق پرداخته می‌شود. برای این منظور و با توجه به فرضیات و اهداف تحقیق از روش مدلسازی معادلات ساختاری با استفاده از دو نرم‌افزار SPSS و Smart-pls استفاده می‌شود.

محدوده مطالعاتی

هسته مرکزی شهر همدان در محدوده بافت تاریخی آن قرار دارد که از سکونتگاه اولیه مردم شهر همدان بوده است که محدوده مورد در مطالعه حاضر نیز در هسته مرکزی و تاریخی آن قرار دارد.

محدوده مورد بررسی پژوهش در مرکز محدوده بافت فرسوده شهر همدان قرار دارد که به نوعی مرکز تجاری شهر همدان نیز محسوب می‌شود.

طرح بازآفرینی و پیاده راه سازی میدان مرکزی شهر همدان

هویت عملکردی و کارکردی فضا یکی از مهمترین شاخصه های محلات سنتی به حساب می‌آید. بازآفرینی هسته مرکزی شهر همدان با پیاده‌راه سازی محورهای بوعلی و اکباتان در سال ۱۳۹۵ انجام شد که این پروژه با پیاده‌راه سازی کامل میدان مرکزی شهر در سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ منجر شد. در واقع در حال حاضر، عبور خودرو از دو خیابان از ۶ محور منتهی به این میدان بعلاوه خود میدان ممنوع شده است.

همچنین با کفسازی این محورها و میدان و طراحی و اجرای مبلمان شهری خاص و ویژه در آن، می‌توان بیان کرد که بازآفرینی هسته مرکزی شهر همدان اجرایی شده است.

یافته‌ها

- پایایی

ارزشیابی قابلیت اعتماد (پایایی) در اندازه‌گیری، عبارت است از تعیین مقدار تفاوت نمره افراد در نتیجه بی‌ثباتی اندازه‌گیری. (حبیب پور، صفری، ۱۳۹۰: ۳۵۸) در واقع به معنای آن است که آیا روش انتخاب شده، موضوع مورد نظر را به طور دقیق می‌سنجد یا خیر؟ در واقع، ابزار اندازه‌گیری تا چه حد پایایی (قابلیت تکرار) دارد و اگر با همان واحد تحلیل مکرر به کار رود، نتایج یکسانی به دست می‌آید یا خیر؟ به عبارت دیگر، پایایی به میزان ثبات و انسجام درونی اجزای یک مفهوم و این که در صورت تکرار ابزار اندازه‌گیری در شرایط مشابه، نتایج حاصله به چه میزان مشابه اند، نیز اطلاق می‌شود (Carmines, 1988:16).

روش آلفای کرونباخ مهم‌ترین و پرکارترین روش محاسبه میزان پایایی ابزار اندازه‌گیری در نرم‌افزار Spss است. روش آلفای کرونباخ، مستلزم تنها یک بار اجرای آزمون است. این روش بستگی به هماهنگی کارکرد آزمودنی از یک سؤال به سؤال دیگر داشته و محاسبه آن مبتنی بر انحراف استاندارد سؤالات می‌باشد. در نهایت، براساس همبستگی درونی سؤالات، مقدار آلفا استخراج می‌شود. چنان چه این مقدار بیش‌تر از ۰,۷ باشد، می‌توان گفت ابزار دارای پایایی بالایی است. به عبارتی، گویه‌های یک مقیاس یا شاخص از همسازی بالایی جهت سنجش آن برخوردارند و برعکس، مقدار کم آلفا دلالت بر پایایی پایین ابزار اندازه‌گیری دارد (حبیب پور، صفری، ۱۳۹۰: ۳۵۸).

جدول (۲) بررسی پایایی پژوهش

ضریب آلفای کرونباخ	تعداد سؤالات
۰,۸۴۹	۳۵

همانطور که مشاهده می‌شود در پژوهش صورت گرفته، مقدار آلفای کرونباخ استاندارد ۰,۸۴۹ می‌باشد که نشان دهنده این می‌باشد که پژوهش صورت گرفته از پایایی مناسبی برخوردار است و نتایج حاصله قابل اتکا است. بنابراین پس از بررسی پایایی پژوهش و مثبت بودن نتایج به تحلیل و ارزیابی می‌پردازیم.

- بررسی مدل تحقیق در محدوده مورد مطالعه با روش مدلسازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار SmartPls:

مدل‌یابی معادلات ساختاری (Structural equation modeling: SEM) یک تکنیک تحلیل چند متغیری بسیار کلی و نیرومند از خانواده رگرسیون چند متغیری و به بیان دقیق‌تر

بسط "مدل خطی کلی" (General linear model) است. که به پژوهشگر امکان می‌دهد مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را به گونه هم زمان مورد آزمون قرار دهد. مدل‌یابی معادله ساختاری یک رویکرد جامع برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط متغیرهای مشاهده شده و مکنون است که گاه تحلیل ساختاری کوواریانس، مدل‌یابی علی و گاه نیز لیزرل (IISREL) نامیده شده است اما اصطلاح غالب در این روزها، مدل‌یابی معادله ساختاری یا به گونه خلاصه SEM است (هومن ۱۳۸۴، ۱۱). از نظر آذر (۱۳۹۵) نیز یکی از قوی‌ترین و مناسب‌ترین روش‌های تجزیه و تحلیل در تحقیقات علوم رفتاری و اجتماعی، تجزیه و تحلیل چند متغیره است زیرا این گونه موضوعات چند متغیره بوده و نمی‌توان آنها را با شیوه دو متغیری (که هر بار یک متغیر مستقل با یک متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود) حل نمود. «تجزیه و تحلیل ساختارهای کوواریانس» یا همان «مدل‌یابی معادلات ساختاری»، یکی از اصلی‌ترین روش‌های تجزیه و تحلیل ساختار داده‌های پیچیده و یکی از روش‌های نو برای بررسی روابط علت و معلولی است و به معنی تجزیه و تحلیل متغیرهای مختلفی است که در یک ساختار مبتنی بر تئوری، تأثیرات همزمان متغیرها را به هم نشان می‌دهد. از طریق این روش می‌توان قابل قبول بودن مدل‌های نظری را در جامعه‌های خاص با استفاده از داده‌های همبستگی، غیر آزمایشی و آزمایشی آزمود. مدل‌سازی معادلات ساختاری ابزاری قدرتمند برای پژوهشگر می‌باشد که وی را در تدوین چارچوب نظری پژوهش در قالب مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری یاری می‌رساند. علاوه بر آن با بهره‌گیری از داده‌های تجربی امکان آزمون مدل‌های تدوین شده را به عنوان یک کل فراهم آورده و با شاخص‌هایی که در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد وی را در اصلاح و بهبود مدل راهنمایی می‌کند. آنچه مدل‌سازی معادلات ساختاری را قدرتمند ساخته یکی آن است که به لحاظ روش شناختی از دقت بالایی برخوردار است و دیگر این که به لحاظ کاربردی با شرایط واقعی زندگی اجتماعی بسیار نزدیک است. به لحاظ روش شناختی از دقت بالایی برخوردار است چرا که با متغیرهای پنهان واقعاً به عنوان سازه‌هایی برخورد می‌کند که در سنجش آن خطا وجود دارد و به لحاظ کاربردی به واقعیت زندگی اجتماعی نزدیک می‌شود چرا که در فضایی چند متغیره امکان تحلیل داده‌ها را فراهم می‌آورد. مدل‌سازی معادلات ساختاری به لحاظ مفهومی قابل تقلیل به تحلیل رگرسیونی، تحلیل مسیر یا تحلیل عاملی نیست بلکه هر یک از این‌ها جزئی از این فضای مفهومی را به خود اختصاص می‌دهند. مدل‌سازی معادلات ساختاری را می‌توان به عنوان روشی کمی تلقی کرد که به پژوهشگر یاری می‌رساند تا پژوهش خود را از مطالعات نظری و تدوین چارچوب نظری گرفته تا تحلیل داده‌های تجربی، در قالبی چندمتغیره سامان بخشد (آذر، ۱۳۸۱).

در همین راستا، مدل تحقیق حاضر را با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار SmartPls مورد بررسی قرار می‌دهیم. تکنیک Partial Least Squares یا حداقل مربعات جزئی یکی از موضوعاتی است که غالباً در پژوهش‌های اجتماعی و روانشناسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از زمان معرفی مدلسازی معادلات ساختاری مبتنی بر کوواریانس که توسط کارل یورسکوگ در سال ۱۹۷۳، این تکنیک توجه بسیار زیادی را در بین محققین تجربی به خود جلب کرده است. با این حال، برتری لیزرل که مطمئناً شناخته شده ترین ابزار برای انجام این گونه تحلیلهاست، ناشی از این مسأله است که تمامی محققین از تکنیکهای جایگزین مدلسازی معادلات ساختاری از جمله؛ حداقل مربعات جزئی آگاه نیستند.

برآورد مدل و ارزشیابی برازندگی مدل عوامل مؤثر بر ذهنیت شهروندان در پروژه‌های بازآفرینی شهری:

جهت سنجش برازش مدل با استفاده از معادلات ساختاری ۵ متغیر "وضعیت کالبدی"، "وضعیت اقتصادی"، "وضعیت اجتماعی"، "عوامل حکمروایی" و "بازآفرینی ذهنی" به عنوان عوامل مؤثر بر ذهنیت شهروندان در پروژه‌های بازآفرینی شهری در نمونه مورد مطالعه در نظر گرفته شدند. و با توجه به پرسشنامه تحقیق، برای سنجش این شاخص‌ها جمعا ۳۵ گویه بر اساس چارچوب نظری پژوهش، اختصاص داده شد.

- بررسی پایایی و روایی مدل اندازه گیری

-سنجش پایایی مدل پژوهش توسط ضریب پایایی مرکب ۱ (CR) شرط برقراری پایایی سازه این است که اندازه پایایی مرکب (CR) از ۰/۷ بزرگتر باشد (فورنل و لارکر، ۱۹۸۱).

جدول (۳) شاخص پایایی مرکب

متغیر	پایایی مرکب (CR)
وضعیت کالبدی	۰,۷۲۰
وضعیت اجتماعی	۰,۷۵۱
وضعیت اقتصادی	۰,۷۱۶
عوامل حکمروایی	۰,۷۹۱
بازآفرینی ذهنی	۰,۷۴۵

- سنجش پایایی مدل پژوهش توسط ضریب آلفای کرونباخ

مقادیر ضریب آلفای کرونباخ جهت سنجش پایایی مدل به صورت زیر است (George and Mallery, 2003).

- (۱) $0/9 =$ عالی
- (۲) $0/8 =$ خوب
- (۳) $0/7 =$ قابل قبول
- (۴) $0/6 =$ سؤال برانگیز
- (۵) $0/5 =$ ضعیف

جدول (۴) شاخص برازش مدل پژوهش آلفای کرونباخ

مقادیر Cronbachs Alpha	شاخص
۰,۸۱۲	وضعیت کالبدی
۰,۷۲۹	وضعیت اجتماعی
۰,۷۳۰	وضعیت اقتصادی
۰,۷۶۸	عوامل حکمروایی
۰,۸۵۷	بازآفرینی ذهنی

با توجه به جداول بالا و اینکه مقادیر پایایی مرکب و آلفای کرونباخ مربوط به هر شاخص بالاتر از $0/7$ می باشد، مدل اندازه گیری پژوهش از پایایی مناسبی برخوردار است.

- میانگین واریانس به اشتراک گذاشته AVE

این شاخص توسط فورنل و لارکر (۱۹۸۱) پیشنهاد شد و برای این شاخص حداقل مقدار $0/5$ ، مقدار بحرانی در نظر گرفته شده است. بدین معنا است که متغیر پنهان مورد نظر حداقل 50 درصد واریانس مشاهده پذیرهای خود را تبیین می کند.

جدول (۵) شاخص روایی همگرای مدل

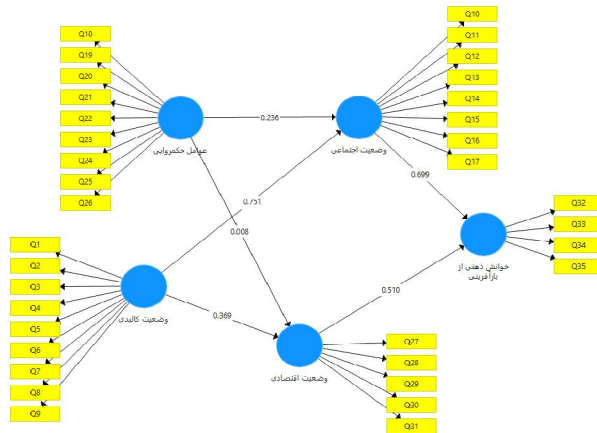
مقادیر AVE	شاخص
۰,۶۳۲	وضعیت کالبدی
۰,۵۹۱	وضعیت اجتماعی
۰,۵۲۹	وضعیت اقتصادی
۰,۵۸۴	عوامل حکمروایی
۰,۶۰۷	بازآفرینی ذهنی

همچنان که در جدول بالا آمده است، مقادیر AVE تمامی شاخص ها بالاتر از $0/5$ محاسبه شده و روایی همگرای مدل نیز تأیید می شود.

- مدل‌های ساختاری و اندازه‌گیری:

شکل ۲ نشان‌دهنده مدل‌های کلی خروجی نرم‌افزار PLS است که همزمان هم در برگیرنده مدل ساختاری و هم مدل اندازه‌گیری می‌باشد که در ادامه آنها را به تفصیل تفکیک نموده و مورد بررسی قرار خواهیم داد. برای آزمون فرضیه از آماره t استفاده شد. برای بررسی معنادار بودن روابط نیز از اندازه‌تی (t -value) استفاده شد که در نرم‌افزار پی.ال.اس با استفاده از الگوریتم راه اندازی خودکار ۱ به دست می‌آید (آذر و همکاران، ۱۳۹۱). در این مدل اگر ضریب معناداری (t) بالاتر از ۱,۹۶ باشد رابطه بین ۲ عامل (مسیر) در نمونه مورد مطالعه با ۹۵ درصد اطمینان تأیید می‌شود.

باید گفت که اگر مقدار ضریب مسیر بین متغیر مکنون مستقل و متغیر مکنون وابسته مثبت باشد نتیجه می‌گیریم که با افزایش متغیر مستقل شاهد افزایش در متغیر وابسته خواهیم بود و بالعکس اگر مقدار ضریب مسیر بین متغیر مکنون مستقل و متغیر مکنون وابسته منفی باشد نتیجه می‌گیریم که با افزایش متغیر مستقل شاهد کاهش در متغیر وابسته خواهیم بود.



شکل (۳) مقادیر ضرایب مسیر مدل پایه ماخذ: نگارنده

با بررسی مدل ساختاری پژوهش در حالت آماره‌های t (شکل ۳) تأثیر تمامی عوامل بر ذهنیت شهروندان در پروژه‌های بازآفرینی شهری در نمونه مورد مطالعه زیر با ۹۵ درصد اطمینان معنادار شده است.

جدول (۶) آزمون مسیرهای معنادار (فرضیات)

وضعیت	ضریب مسیر	آماره t	مسیر
پذیرش	۰,۷۵۱	۱۱,۸۱۴	وضعیت کالبدی ← وضعیت
	۰,۶۹۹	۸,۷۰۳	اجتماعی ← بازآفرینی ذهنی
پذیرش	۰,۳۶۹	۴,۹۳۷	وضعیت کالبدی ← وضعیت
	۰,۵۱۰	۶,۸۱۴	اقتصادی ← بازآفرینی ذهنی
پذیرش	۰,۲۳۶	۳,۱۰۶	عوامل حکمروایی ← وضعیت
	۰,۶۹۹	۸,۷۰۳	اجتماعی ← بازآفرینی ذهنی

با توجه به ضرایب مسیر در مسیرهای بدست آمده مسیر وضعیت کالبدی ← وضعیت اجتماعی ← بازآفرینی ذهنی بحرانی ترین مسیر در جهت ارتقا بازآفرینی ذهنی بوده است.

جمع بندی و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف دستیابی به جنبه‌های ذهنی بازآفرینی و لزوم تطابق عینت موجود بر ذهنیت شهروندان شکل گرفت. محدوده مرکزی میدان مرکزی همدان به عنوان نمونه مورد مطالعه پژوهش انتخاب شد. این محدوده که در سال‌های اخیر بازآفرینی شده است و به ماهیت اصلی خود یعنی حذف سواره از آن برگشته است، با وجود ارتقاء کیفیت کالبدی آن، چالش‌های قابل توجهی را برای شهروندان پدید آورده است که بررسی آنان با توجه به موضوع و هدف پژوهش مورد نظر می‌باشد.

در همین راستا، برای رسیدن به این هدف، ابتدا مبانی نظری مرتبط با بازآفرینی شهری و همچنین ابعاد و عوامل تشکیل دهنده آن مورد بررسی و واکاوی قرار گرفت. در مرحله بعد، فرایند ادارک شهروندان از فضاهای پیرامون در قالب مرور نظریات روانشناسی محیط مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت بر مبنای این دو عامل کلی، مدل مفهومی چگونگی درک شهروندان از فضاهای باز آفرینی شده تبیین و تدقیق شد.

در قالب مدل مفهومی مورد نظر، مشخص شد که ۴ عامل وضعیت کالبدی، وضعیت اجتماعی، وضعیت اقتصادی و نوع حکمروایی به عنوان عوامل اثرگذار ذهنی بر فضاهای بازآفرینی شده اثرگذار هستند. درواقع، بر پایه این مدل، این گونه فرض شد که شهروندان فضاهای بازآفرینی را پس از گذر از این چهار فیلتر از ذهن خود ادراک می‌کنند. پس از استخراج

شاخص‌ها، مدل به گونه‌ای تبیین شد که در قالب روش مدلسازی معادلات ساختاری قابل توضیح باشد.

به عبارت دیگر، با توجه به این امر که درک هر یک از عوامل موجود در مدل مد نظر می‌باشد، می‌توان این عوامل را در روش مدلسازی معادلات ساختاری به عنوان متغیرهایی پنهان در نظر گرفت که توسط متغیرهای آشکار و یا گویه‌ها سنجیده می‌شوند. بر همین اساس، با توجه به مبانی نظری مرور شده در تحقیق مشخص شد که گویه‌های "اقتصادی" شامل اشتغال‌زایی، درآمد، مشاغل، مهارت‌ها و فرصت‌های شغلی می‌شوند. برای گویه‌های "اجتماعی- فرهنگی" می‌توان عوامل ارتقاء کیفیت زندگی، بهداشت، آموزش، جرائم، مسکن، کیفیت خدمات عمومی را پیشنهاد داد. زیرساخت‌ها، محیطی طبیعی و ساخته شده، حمل‌ونقل و ارتباطات برای "عامل کالبدی" تبیین خواهند شد. همچنین، گویه‌های محلی سازی تصمیم‌گیری، مشارکت اجتماع محلی، درگیر کردن تمامی دخیلان، شیوه رهبری و مدیریت را نیز برای عامل "حکروایی" می‌توان پیشنهاد داد.

در مرحله بعد، بر مبنای مدل مفهومی پژوهش، پرسشنامه‌ای ۵ گزینه‌ای بر مبنای طیف لیکرت با تعداد ۳۵ پرسش طراحی و تدوین شد و بین شهروندان همدانی با در نظر گرفتن میدان مرکزی شهر همدان توزیع شد. سپس داده‌های کمی پژوهش وارد نرم‌افزارهای SPSS و Smartpls شد و تحلیل آماری انجام شد.

بررسی مدل مفهومی پژوهش با استفاده از مدلسازی معادلات ساختاری نشان داد که سازوکار ذهنی ادراک شهروندان از فضاهای بازآفرینی شده میدان مرکزی شهر همدان در قالب سه مسیر "وضعیت کالبدی ← وضعیت اجتماعی ← بازآفرینی ذهنی"، "وضعیت کالبدی ← وضعیت اقتصادی ← بازآفرینی ذهنی" و "عوامل حکروایی ← وضعیت اجتماعی ← بازآفرینی ذهنی" به ترتیب از قوی به ضعیف با ضرایب اثر کلی ۰,۴۷، ۰,۱۵ و ۰,۱۴ بوده است.

همان‌طور که مشخص است، مسیر اثرگذاری وضعیت کالبدی-اجتماعی-بازآفرینی ذهنی بیشترین اثر را در ذهن شهروندان در ادراک کلی مجموعه بازآفرینی شده میدان مرکزی همدان داشته است. می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که کالبد مکان بازآفرینی شده در ذهن شهروندان به عنوان نوعی کنش عمل کرده که در مرحله بعد منجر به ایجاد واکنش‌های اجتماعی در این مکان خواهد شد و این بازتولید فعالیت‌های اجتماعی در مرحله بعد خود منجر به شکل‌گیری کلیت فضا در ذهن شهروندان خواهد شد. با توجه به این امر که عامل کالبد در بخش اول یافته‌ها بخاطر عدم توجه به مبلمان شهری مناسب در میدان مرکزی شهر همدان در وضعیت متوسط ارزیابی شده بود، بنابراین، می‌توان بیان کرد که هنوز ذهنیت شهروندان از فضاهای

بازآفرینی شده در این مکان قادر به ادراک حداکثری وضعیت کیفی آن نبوده است و لزوم توجه به بحث مبلمان و پوشش گیاهی در مرکز این فضا ضروری به نظر می‌رسد.

منابع و مآخذ:

- ۱- پور احمد، احمد (۱۳۸۹)، سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۷
- ۲- مطلبی، ق. ۱۳۸۰. روانشناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی و طراحی شهری. نشریه علمی-پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۱۲(۱۴)
- ۳- آذر، عادل، (۱۳۹۵)، مدلسازی معادلات ساختاری: کمترین مربعات جزئی، انتشارات نگاه دانش
- ۴- پاکزاد، ج، بزرگ، ح. ۱۳۹۱. الفبای روان‌شناسی محیط برای طراحان. چاپ دوم. انتشارات آرمانشهر. صفحه ۱۲۳
- ۵- حبیب پور، کرم، صفری، رضا (۱۳۹۰)، راهنمای جامع کاربری SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی)، انتشارات متفکران
- ۶- لنگ، ج. ۱۳۸۱. آفرینش نظریه معماری، ترجمه علی رضا عینی‌فر. چاپ دوم. انتشارات دانشگاه تهران. صفحات ۶۸-۵۰
- ۷- مرتضوی، علی (۱۳۸۰)، فرصتی برای بازآفرینی شهری در عمل، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری، توسعه و بازآفرینی زیرساخت‌های شهری در ایران، ۱۷
- ۸- هومن، حیدرعلی، (۱۳۹۳)، مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل (با اصطلاحات)، سمت ۱۸۶
- ۹- سجاذزاده، حسن، زلفی گل، سجاذ (۱۳۹۴)، طراحی شهری در بازآفرینی محلات سنتی با رویکرد محرک توسعه، فصلنامه آمایش محیط (۱۳۹۴)
- 10- Lang, T. (2005). Insights in the British debate about urban decline and urban regeneration (No. 32). Working paper.
- 11- Marriam-Webster online, (2014)
- 12- Couch, C. (2003). Introduction: the European context and theoretical framework. Chris Couch, Charles Fraser ve Susan Percy (der.) Urban Regeneration in Europe.
- 13- Fraser, C. (2003). The institutional and financial conditions of urban regeneration in Europe. Urban regeneration in Europe, 180-199.
- 14- Percy, S. (2003). The Ruhr: from dereliction to recovery. Urban regeneration in Europe, 140-165.
- 15- McCarthy, J. (2006). Regeneration of cultural quarters: public art for place image or place identity?. Journal of Urban Design, 11(2), 243-262.

-
- 16- Roberts, P. (2000). The evolution, definition and purpose of urban regeneration. *Urban regeneration*, 9-36.
 - 17- McGregor, A., & McConnachie, M. (1995). Social exclusion, urban regeneration and economic reintegration. *Urban Studies*, 32(10), 1587-1600..